

نصار، تهران، مشعر، ۱۴۲۸ق؛ منائح الكرم: علی بن تاج الدین السنجاری (م. ۱۲۵ق.)، به کوشش المصری، مکه، جامعه ام القرى، ۱۴۱۹ق؛ موسوعة مرآة الحرمن الشریفین: ایوب صبری پاشا (م. ۱۲۹۰ق.)، قاهره، دار الآفاق العربیه، ۱۴۲۴ق.

ابوالفضل ربانی



پناهندگی ← امنیت حرم

پوشاندن پا: از محرمات ویژه مردان

احرام گزار

پوشاندن پا که از محرمات احرام به شمار می‌رود، با عنوان «لبس الخُفِّ و الجَوْرَب» در منابع فقهی یاد شده و برخی از منابع فقه امامی^۱ و همه منابع فقه اهل سنت^۲ آن را ذیل موضوع «پوشیدن لباس دوخته شده» آورده‌اند. البته پاره‌ای از منابع امامی^۳ با عنوانی مستقل بدان پرداخته‌اند. به نظر فقیهان امامی^۴ و اهل سنت^۵

۱. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۳؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۳۰؛ مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۳۰۴.
۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۶۳؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۰۵؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۷۲.
۳. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۳۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۵۰؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۵۲.
۴. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۵۱؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۴۲.
۵. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۴۹-۲۵۸؛ النمر الدانی، ص ۳۸۲-۳۸۳.

پوشاندن پا برای احرام گزار مرد جایز نیست. مستند فقیهان امامی، افزون بر اجماع، حدیث‌های متعدد^۶ و مستند فقیهان اهل سنت نیز روایات است.^۸

◀ نوع و محدوده پوشش: فقیهان

امامی^۹ و اهل سنت^{۱۰} پوشیدن نعلین یا تاسومه (نوعی دمپایی که روی آن باز و تنها دارای بند یا نخ است که بین انگشتان قرار می‌گیرد)^{۱۱} را برای مرد احرام گزار جایز شمرده‌اند؛ ولی پوشیدن جوراب یا چکمه یا کفشی که همه روی پا را می‌پوشاند، حرام دانسته‌اند.^{۱۲} برخی از فقیهان امامی^{۱۳} با مطلق دانستن احادیث^{۱۴} به حرمت هرگونه پوشش روی پا باور دارند.

۶. غنیة النزوع، ص ۱۵۹؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۲؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۳۷.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۴۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰؛ التهذیب، ج ۵، ص ۶۹.
۸. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۲؛ ج ۲، ص ۲۱۵؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲-۳؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۶۵.
۹. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۵۷؛ مصباح الهدی، ج ۱۲، ص ۵۵۵؛ مناسک حج، امام خمینی، ص ۲۴۱.
۱۰. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۶-۱۲۷؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۵-۲۰۶؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۱۶۲؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۳، ۴۹۶.
۱۱. النهایه، ج ۲، ص ۸۳ «تعل»؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۹.
۱۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۶۳؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۷۲.
۱۳. غنیة النزوع، ص ۱۵۹؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۲.
۱۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۴۶؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳۸۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰.

جواز پوشیدن چکمه است که همه روی پا را پوشش می‌دهد.^۶

شماری دیگر از فقیهان امامی، پوشاندن بخشی از پا را نیز حرام می‌دانند. دلیل آنان این است که لازمه حرمت پوشاندن همه روی پا، حرمت پوشاندن بخشی از آن نیز هست.^۷ در فقه شافعی و مالکی و حنبلی، پوشاندن بخشی از پا مانند پوشاندن همه آن حرام است.^۸ در فقه حنفی، پوشیدن هر چه که بالاتر از کعبین (برآمدگی دو طرف پا) را پوشاندن، حرام و پوشاندن پایین‌تر از آن جایز است.^۹

◀ **شرایط حرمت:** در منابع فقهی برای حکم حرمت پوشاندن پا، شرایطی یاد شده که مهم‌ترین موارد آن‌ها عبارتند از:

۱. **مرد بودن احرام‌گزار:** در باور مشهور فقیهان امامی^{۱۰} و همه فقیهان اهل سنت^{۱۱} به پشتوانه احادیث^{۱۲} از جمله

۶. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۵۷؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۸۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۵۰.

۷. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۴۴؛ نک: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۵۰.

۸. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۵۸؛ الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۵۵.

۹. الاختیار، ج ۱، ص ۱۴۴.

۱۰. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۴؛ مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۳۰۵؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۵۳.

۱۱. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۶۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۵۸؛ حاشیة رد المختار، ج ۲، ص ۵۳۹؛ المغنی، ج ۲، ص ۲۷۲.

۱۲. مسند احمد، ج ۲، ص ۸؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۴۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲-۳.

(تصویر شماره ۹) برخی نیز^۱ بدین استناد که در حدیث‌ها تنها از چکمه و جوراب یاد شده، گفته‌اند که تعمیم این دو مورد به موارد دیگر، به قرینه نیاز دارد. وانگهی ملاک ممنوعیت در آن دو مورد مشخص نشده تا بتوان به پشتوانه «تقیح مناط» آن را تعمیم داد. پس خودداری از هر چه پا با آن پوشانده نمی‌شود، مانند پوشاندن پا هنگام خواب با ملحفه یا در حال نشستن با لباس احرام، لازم نیست.^۲ برخی فقها مقتضای احتیاط را خودداری از پوشیدن هر چیز همانند چکمه و جوراب دانسته‌اند.^۳ در باور فقیهان مالکی و حنبلی و شافعی، پوشیدن هرگونه کفش یا چکمه که روی پا را پوشاندن، حرام است.^۴ حنفیان پوشیدن هر چیز را که برآمدگی روی پا را پوشاندن، جایز شمرده‌اند.^۵ برخی فقیهان امامی پوشاندن همه روی پای احرام‌گزار را حرام دانسته‌اند؛ ولی پوشاندن بخشی از آن را حرام نمی‌دانند. دلیل ایشان، تصریح روایات به جواز پوشیدن نعلین که بخشی اندک از روی پا را می‌پوشاند و نیز عدم

۱. الدروس، ج ۱، ص ۳۷۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۵۰؛ تالیق مبسوطه، ج ۱۰، ص ۲۱۶.

۲. الدروس، ج ۱، ص ۳۷۷؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۵۷؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ص ۵۹۴.

۳. مناسک الحج، خوبی، ص ۱۰۹؛ التهذیب فی مناسک العمرة، ج ۲، ص ۲۹۲.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۵؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۱۹.

۵. الدر المختار، ج ۲، ص ۵۳۹.

روایات حاکی از جواز پوشیدن هر لباس برای زنان احرام گزار^۱ و نیز اجماع^۲، حرمت پوشاندن پا از احکام ویژه مردان است؛ ولی شماری از فقیهان امامی^۳ به پشتوانه اطلاق احادیث^۴ و نیز قاعده اشتراك زن و مرد در احکام^۵ بر آنند که پوشاندن پا بر زن احرام گزار نیز حرام است. ناقدان این دیدگاه، روایات دلالت گر بر حرمت پوشاندن پا را ویژه احرام گزار مرد می دانند و باور دارند که این روایات با احادیثی دیگر^۶ که احرام زن را در هر لباسی جایز شمرده، مقید شده اند.^۷

۲.۷. فقدان ضرورت: در باور همه فقیهان امامی^۸ و اهل سنت^۹ در صورتی که احرام گزار نیازمند پوشیدن چکمه و جوراب شود و جایگزینی مانند نعلین در دسترس نداشته باشد، پوشاندن پا برایش جایز است، هر چند نیاز او

به حد اضطرار برطرف کننده تکلیف نرسد.^{۱۰} پشتوانه آن‌ها احادیثی است که به جواز پوشش در صورت نیاز تصریح کرده است.^{۱۱} برخی فقیهان امامی^{۱۲} به پشتوانه احادیث^{۱۳} به وجوب شکافتن کفش یا چکمه در صورت اضطرار باور دارند و بر آنند که این احادیث، روایاتی را که به گونه مطلق پوشاندن پا را در فرض اضطرار تجویز کرده اند، مقید می کنند.^{۱۴} در برابر، شماری از فقیهان به پشتوانه اجماع و نیز اطلاق احادیثی که قابل تقیید با روایت‌های دیگر نیستند، شکافتن را واجب ندانسته اند.^{۱۵} شماری دیگر از فقیهان امامی به استصحاب شکافتن باور دارند.^{۱۶} فقیهان امامی در باره چگونگی شکافتن چندین سخن دارند؛ از جمله: شکافتن بخش روی پا^{۱۷}، شکافتن آن تا زیر کعبین^{۱۸} و بریدن کفش تا زیر کعبین.^{۱۹}

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۹-۳۴۰: التهذیب، ج ۵، ص ۶۹، ۳۸۴: الکافی، ج ۴، ص ۳۴۴.
 ۲. المجموع، ج ۷، ص ۲۵۸: المغنی، ج ۳، ص ۲۷۲.
 ۳. المبسوط، ج ۱، ص ۳۲۰: شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۰.
 ۴. کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۸۲.
 ۵. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۵۰.
 ۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰: التهذیب، ج ۵، ص ۶۹، ۳۸۴: الکافی، ج ۴، ص ۳۴۴.
 ۷. مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۳۰۶: الدروس، ج ۱، ص ۳۷۷: المعتمد، ج ۴، ص ۱۵۳.
 ۸. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۳: منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۸۲: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۵۱.
 ۹. المجموع، ج ۷، ص ۲۶۵: المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷: مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۵: المغنی، ج ۳، ص ۲۷۴.

۱۰. المعتمد، ج ۴، ص ۱۴۴.
 ۱۱. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۱۵-۲۱۶: الکافی، ج ۴، ص ۳۴۷.
 ۱۲. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۰: الوسیله، ص ۱۶۳: مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۵۷.
 ۱۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰: الکافی، ج ۴، ص ۳۳۶، ۳۴۶.
 ۱۴. الخلاف، ج ۲، ص ۲۹۵-۲۹۶: مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۸۰-۸۱: جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۸۵.
 ۱۵. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۵: مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۳۸: المعتمد، ج ۴، ص ۱۵۴.
 ۱۶. ذخیره المعاد، ج ۳، ص ۵۹۴.
 ۱۷. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۰: الوسیله، ص ۱۶۳.
 ۱۸. الخلاف، ج ۱، ص ۲۹۵.
 ۱۹. نک: المجموع، ج ۴، ص ۲۶۶: ذخیره المعاد، ج ۳، ص ۵۹۴.

قاعده احتیاط^{۱۳} به وجوب کفاره در صورت پوشاندن روی پا باور دارند. برخی فقیهان امامی متأخر برای پوشاندن پا کفاره‌ای بر نمی‌شمرند^{۱۴} و بعضی نیز به تفصیل باور دارند؛ یعنی پوشیدن چکمه و مانند آن را موجب کفاره ندانسته، ولی پوشیدن جوراب و شبیه آن را مایه کفاره شمرده‌اند.^{۱۵}

کفاره پوشاندن پا در باور فقیهان امامی، قربانی کردن يك گوسفند است.^{۱۶} در فقه شافعی^{۱۷}، مالکی^{۱۸} و حنبلی^{۱۹} با قیاس کردن کفاره پوشاندن پا به کفاره حلق (تراشیدن سر) این دو کفاره مانند یکدیگر شمرده شده‌اند. یعنی احرام گزار میان قربانی کردن يك گوسفند، سه روز روزه گرفتن، یا غذا دادن به ۶ مسکین مخیر است. در فقه حنفی، این تخییر تنها در صورت عذر و اضطرار است و اگر کسی بدون عذر و اضطرار و به صورت عمدی پای خود را بپوشاند، برای پوشاندن يك روز کامل، باید يك گوسفند کفاره دهد و

برخی جمع میان شکافتن و بریدن^۱ را بهتر دانسته و آن را با احتیاط^۲ سازگار شمرده‌اند.

فقیهان شافعی^۳ و حنفی^۴ و مالکی^۵ به پشتوانه حدیث نبوی^۶ در صورت اضطرار به پوشیدن کفش به سبب نبودن نعلین، به وجوب بریدن آن تا زیر کعبین باور دارند. در برابر، فقیهان حنبلی^۷ به پشتوانه حدیثی از پیامبر ﷺ که از شکافتن سخن به میان نیاورده و نیز حدیثی از امام علی علیه السلام که این کار را دارای مفسده شمرده^۸، بر آنند که احرام گزار می‌تواند کفش را بدون بریدن بیوشد.

۳.۳. کفاره پوشاندن پا: فقیهان اهل سنت^۹

با قیاس پوشاندن پا به ازاله مو در احرام^{۱۰} و بیشتر فقیهان امامی^{۱۱} به پشتوانه احادیث^{۱۲} و

۱. الوسيله، ص ۱۶۳.

۲. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۳۴، ۳۳۹.

۳. معنی المحتاج، ج ۱، ص ۱۹۵؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۰۵؛ مختصر المزنی، ص ۶۶.

۴. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۷؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۲.

۵. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۶۳؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۵.

۶. صحیح البخاری، ج ۷، ص ۴۹؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۶.

۷. المعنی، ج ۳، ص ۲۷۲-۲۷۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۵.

۸. المعنی، ج ۳، ص ۲۷۴.

۹. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۴۲۰؛ نک: المعنی، ج ۳، ص ۲۷۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۲۴۹-۲۵۰.

۱۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۵۰؛ المؤلف من المختلف، ج ۱، ص ۳۷۲؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۵۲.

۱۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۳۶۹-۳۷۰.

۱۳. المعتمد، ج ۴، ص ۱۵۲.

۱۴. تعالیق مبسوطه، ج ۱۰، ص ۲۱۵؛ مناسک جامع حج، ص ۱۳۵.

۱۵. مناسک الحج، سیستانی، ص ۱۲۳؛ مناسک الحج، وحید، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ مناسک زائر، ص ۷۸.

۱۶. جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۰۴؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۷۰؛ کشف اللثام، ج ۶، ص ۴۶۰.

۱۷. المجموع، ج ۷، ص ۲۵۰-۲۵۱.

۱۸. الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۶۶-۶۷.

۱۹. المحرر فی الفقه، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۳۹.

برای کمتر از آن، باید صدقه پردازد.^۱
 برابر با فقه شافعی^۲، حنفی^۳ و مالکی^۴ به
 پشتوانه روایات^۵ اگر احرام‌گزاری که دسترسی
 به نعلین ندارد و کفش یا چکمه می‌پوشد،
 کفش یا چکمه را برش یا شکاف ندهد، باید
 كفاره دهد. فقیهان حنبلی^۶ به پشتوانه روایاتی
 دیگر^۷ و نیز برخی فقیهان امامی^۸ با نقد روایات
 دلالت‌گر بر بریدن یا شکافتن کفش، نشکافتن
 آن را موجب كفاره نمی‌دانند.
 فقیهان حنبلی^۹ و مالکی^{۱۰} و بیشتر شافعیان^{۱۱}
 و گروهی از امامیان^{۱۲} به دلیل احادیث^{۱۳} باور
 دارند که اگر احرام‌گزار با وجود نعلین،
 چکمه را برش دهد و از آن استفاده کند،
 كفاره بر او واجب می‌شود. حنفیان^{۱۴} و برخی

شافعیان^{۱۵} به دلیل مشابَهت چکمه برش داده
 شده با نعلین، به عدم وجوب كفاره باور دارند.
 فقیهان امامی^{۱۶} و حنبلی^{۱۷} برای احرام‌گزاری
 که نعلین داشته باشد، ولی به سببی نتواند از آن
 استفاده کند، كفاره را واجب نمی‌دانند؛
 چراکه وجود نعلین در این صورت مانند نبود
 آن است. پیشینه نزدیک به تمام فقیهان امامی^{۱۸}
 پوشاندن پا در صورت اضطرار، مانند نبود
 نعلین^{۱۹} را موجب كفاره نمی‌دانند؛ ولی فقیهان
 حنفی^{۲۰} و اندکی از فقیهان امامی^{۲۱} در صورت
 اضطرار كفاره را واجب می‌شمرند.

◀ منابع

الاختیار لتعلیل المختار: عبدالله بن محمد
 الموصلی (م. ۶۸۳ق.)، بیروت، دار الکتب
 العلمیه، ۱۳۵۶ق؛ بدایة المجتهد: ابن رشد
 القرطبی (م. ۵۹۵ق.)، به کوشش العطار، بیروت،
 دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین
 الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، پاکستان، المكتبة
 الحبییه، ۱۴۰۹ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه:
 العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش بهادری،
 قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۲۰ق؛ تحفة

۱. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۶-۱۸۷.
۲. المجموع، ج ۷، ص ۲۴۹-۲۵۰، ۲۶۵.
۳. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۶-۱۲۷.
۴. حاشیة الدسوقی، ج ۲، ص ۵۶.
۵. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۴۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲.
۶. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۳-۲۷۴.
۷. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۳.
۸. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۵؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۳۸؛
 المعتمد، ج ۴، ص ۱۵۳-۱۵۴.
۹. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۵.
۱۰. بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۲۱۸، ۲۷۹.
۱۱. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵۳-۴۵۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۴۹-۲۵۰.
۱۲. الخلاف، ج ۲، ص ۲۹۶؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۹۹.
۱۳. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۴۶؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲؛
 الکافی، ج ۴، ص ۳۴۷.
۱۴. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۷؛ حاشیة رد المحتار، ج ۲،
 ص ۵۳۹.

۱۵. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵۳-۴۵۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۵۰.
۱۶. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰۰؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۵؛
 تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۳۰.
۱۷. المغنی، ج ۳، ص ۲۷۶.
۱۸. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۵۸.
۱۹. کتاب الحج، گلپایگانی، ص ۱۳۱.
۲۰. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۸.
۲۱. کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۸۳.

الفقهاء: علاء الدين السمرقندی (م. ۵۳۵ق. / ۵۳۹ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق؛ **تعالیق ميسوطه**: محمد اسحق الفیاض، انتشارات محلاتی؛ **تهذیب الاحکام**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ **التهذیب فی مناسک العمرة و الحج**: جواد بن علی تبریزی (م. ۴۲۷ق.)؛ **التمر الدانی**: الآبی الازهری (م. ۳۳۰ق.)، بیروت، المكتبة الثقافیة؛ **جامع الفتاوی**: موسوی شاهرودی، قم، مشعر، ۱۴۲۸ق؛ **جامع المقاصد**: الکرکی (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل البيت، ۱۴۱۱ق؛ **جواهر الکلام**: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **حاشیة الدسوقی**: الدسوقی (م. ۲۳۰ق.)، دار احیاء الکتب العربیة؛ **حاشیة رد المحتار**: ابن عابدین (م. ۱۲۵۲ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **الحدائق الناضرة**: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش؛ **حواشی الشروانی و العبادی**: الشروانی (م. ۱۳۰۱ق.) و العبادی (م. ۹۹۴ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **الخلاص**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق؛ **الدر المختار**: الحصکفی (م. ۱۰۸۸ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **الدروس الشرعیة**: الشهدی الاول (م. ۷۸۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ **ذخيرة المعاد**: محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ق.)، آل البيت؛ **الروضة البهیة فی شرح اللمعة**: الشهدی الثاني (م. ۹۶۵ق.)، به کوشش کلانتر، قم، مكتبة الداوری، ۱۴۱۰ق؛ **روضة الطالبین**: النووی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ **السرائر**: ابن ادريس (م. ۵۹۸ق.)، قم،

نشر اسلامی، ۱۴۱۱ق؛ **سنن ابن ماجه**: ابن ماجه (م. ۲۷۵ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۵ق؛ **سنن الترمذی**: الترمذی (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش عبدالوهاب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۲ق؛ **سرائع الاسلام**: المحقق الحلی (م. ۶۷۶ق.)، به کوشش سید صادق شیرازی، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق؛ **الشرح الكبير**: ابوالبرکات (م. ۱۲۰۱ق.)، مصر، دار احیاء الکتب العربیة؛ **صحیح البخاری**: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ **صحیح مسلم**: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ **غنیة النزوع**: ابن زهرة الحلبي (م. ۵۸۵ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۷ق؛ **فتح العزیز**: عبدالکریم بن محمد الرافعی (م. ۲۲۳ق.)، دار الفکر؛ **قواعد الاحکام**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ق؛ **کتاب الحج**: محمد رضا گلپایگانی، به کوشش صابری، قم؛ **الکافی**: الكلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **کشاف القناع**: منصور البهوتی (م. ۱۰۵۱ق.)، به کوشش محمد حسن، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **کشف اللثام**: الفاضل الهندی (م. ۱۱۳۷ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **المبسوط فی فقه الامامیه**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش بهبودی، تهران، المكتبة المرتضویة؛ **المبسوط**: السرخسی (م. ۴۸۳ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مجمع الفائدة و البرهان**: المحقق الاردبیلی (م. ۹۹۳ق.)، به کوشش عراقی و دیگران، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **المجموع شرح المهدب**: النووی (م. ۶۷۶ق.)، دار الفکر؛ **المحرر فی الفقه**: مجدالدین ابوالبرکات (م. ۶۵۲ق.)، ریاض، مكتبة المعارف، ۱۴۰۴ق؛ **مختصر المزنی**: المزنی

(م. ۲۶۳ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ **مختلف الشیعه: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ق.)، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ق؛ **مدارک الاحکام**: سید محمد بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت، ۱۴۱۰ق؛ **المدونة الكبرى**: مالک بن انس (م. ۱۷۹ق.)، مصر، مطبعة السعادة؛ **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام**: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **مسند احمد: احمد بن حنبل** (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **مصباح الهدی**: محمد تقی آملی، تهران، ناشر: مؤلف، ۱۳۸۰ق؛ **المعتمد فی شرح المناسک**: محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلیالی، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۱۰ق؛ **مغنی المحتاج**: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ **المقنعة**: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ **من لا یحضره الفقیه: الصدوق** (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **مناسک الحج: الخوئی**، قم، ۱۴۱۱ق؛ **مناسک الحج: السیستانی**، قم، ۱۴۱۳ق؛ **مناسک الحج: وحید خراسانی**؛ **مناسک جامع حج**: مکارم شیرازی، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۶ق؛ **مناسک حج با حواشی مراجع تقلید**: محمد رضا محمودی، مشعر، ۱۴۲۹ق؛ **مناسک زائر: شبیری زنجانی**، قم، شهاب الدین، ۱۴۲۷ق؛ **منتهی المطلب: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ق.)، چاپ سنگی؛ **مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی** (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ **الموطأ: مالک بن انس** (م. ۱۷۹ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق؛ **المؤتلف من المختلف بین أئمة السلف: الطبرسی** (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید،

مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۰ق؛ **النهایه**: مبارک ابن اثیر (م. ۶۰۶ق.)، به کوشش الزاوی و الطناحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش؛ **وسائل الشیعه: الحر العاملی** (م. ۱۰۴ق.)، قم، آل البيت، ۱۴۱۲ق؛ **الوسيلة الى نیل الفضیله**: ابن حمزه (م. ۵۶۰ق.)، به کوشش الحسون، قم، مكتبة التجفی، ۱۴۰۸ق.

مرتضى ذبیح اللهی



پوشاندن دست: از محرّمات احرام

پوشاندن دست یکی از کارهای ممنوع برای احرام گزار است. از مهم ترین مصداق های پوشاندن دست، پوشیدن دستکش است که با عنوان «لبس القفازین» ذیل مبحث حرمت پوشیدن لباس دوخته (لبس المخیط) یاد شده است.

فقیهان امامی^۱، مالکی^۲، حنبلی^۳ و بیشتر فقیهان شافعی^۴ بر آنند که پوشیدن دستکش برای زن احرام گزار که معمولاً برای حفاظت از

۱. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۴۴؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۴۲.
 ۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۹؛ الموطأ، ج ۱، ص ۳۲۸؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۲.
 ۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۰۸-۳۰۹؛ كشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۳، ۵۲۰-۵۲۱.
 ۴. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۹، ۳۵۹.